

کرد. البته حضور در تبلیغات خیابانی هم به صورت مدنی جای خود را دارد اما باز هم می‌شود این انتظار را داشت که شبکه‌های اجتماعی بیش از این هم در این حوزه‌ها نقش آفرینی کنند.

با روی کار آمدن دولت حسن روحانی، شبکه‌های اجتماعی جدیدی فیلتر نشدند. دولت هم به‌رغم تحت فشار بودن برای انتخابات تن به محدودیت‌های غیر معمول نداد. در عین حال اکثر سیاستمداران دولت از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. فکر می‌کنید این جو پس از پایان عمر دولت هم ادامه خواهد داشت یا ممکن است با تغییر دولت شاهد تغییر سیاست‌ها و محدودیت‌های دوباره باشیم؟

قطعاً این مسأله بستگی به این دارد که رئیس‌جمهور بعدی چه کسی و متعلق به چه تفکری باشد. اما می‌شود امیدوار بود و آرزو کرد که این اتفاق نیافتد. بله، من هم فکر می‌کنم که جدید شخص آقای روحانی و وزیر ارتباطات ایشان در این زمینه، مهم بود و نقش‌شان در فیلتر نشدن شبکه‌های اجتماعی مانند وایبر، اینستاگرام و تلگرام در ایران بسیار پررنگ بود. مجموعاً گام مهمی در این زمینه اتفاق افتاده است و امیدوارم این مسیر ادامه داشته باشد. تصور من این است که تا پایان دوره ریاست جمهوری آقای روحانی این روند باقی بماند. امیدوارم دولت‌های بعدی هم به این شبکه‌ها به چشم ابزاری نگاه کنند که همگان باید استفاده لازم را از آنها ببرند. قاعدتاً هم نباید مشکلی با این شبکه‌ها داشته باشند. امیدوارم در این زمینه بازی را به قاعده انجام دهند و قاعده بازی را تغییر ندهند. به نظر من دولت آقای روحانی این کار را کرده است.

تلگرام برای همه گروه‌ها و عقاید فرصت بروز را فراهم کرده اما به هر حال در هر جامعه‌ای وزن گروهی از گروهی دیگر بیشتر است. ولی هیچ چیز ثابت نیست و شرایط می‌تواند به مرور زمان عوض شود. روی برگرداندن‌ها، توجه‌ها و حمایت‌ها قابل تغییر است.

امیدوارم اگر مثنی و مرام دولت بعدی هم به لحاظ سیاسی متفاوت بود، در این حوزه‌ها تساهل و گشاده‌رویی به خرج دهد و محمل و مجال را فراهم کند که همگان مجال استفاده از این شبکه‌های اجتماعی را داشته باشند.



تصور من این است که تا پایان دوره ریاست جمهوری آقای روحانی این روند باقی بماند. امیدوارم دولت‌های بعدی هم به این شبکه‌ها به چشم ابزاری نگاه کنند که همگان باید استفاده لازم را از آنها ببرند.

# گفت و گو با سر و ش دباغ استاد فلسفه دانشگاه تورنتوی کانادا انتخابات ۹۲ فیس بوک محور بود و انتخابات ۹۴ تلگرام محور

تماشاگران امروز احسان نادرپور  
بدون شک پدیده سال گذشته تلگرام بود. شبکه‌ای اجتماعی که دولت تمام‌قد پشتش ایستاد و زیر بار فیلتر بنگش نرفت. گروه‌های مختلف به همین خاطر توانستند در این فضا مجال گفت و گو و بحث و جدل پیدا کنند. گروه‌های فکری که در فضای واقعی نمی‌توانستند با هم حرف بزنند حالا پلیکیشن قدرتمند، ایمن و پرسرعت موبایلی به اعتقاد بسیاری توانست سر نوشت انتخابات ایران را هم تغییر دهد. مردمی که دیگر حال و حوصله میتینگ‌های خیابانی و بحث و جدل رو در رو را نداشتند، حالا از طریق تلگرام به رأی دادن ترغیب می‌شدند. هر کس لیست خودش را در این فضا تبلیغ می‌کرد. بعضی‌ها از نفوذ می‌گفتند و لیست‌های انگلیسی، و بعضی هم فقط تکرار می‌کردند که به هر دو لیست رأی دهیم. برای بررسی نقشی که شبکه‌های اجتماعی، علی‌الخصوص تلگرام در زندگی این روزهای ایرانیان بازی می‌کند به سراغ یک پژوهشگر نام آشنا رفتیم که برای مان پدیده شدن تلگرام در ایران را تحلیل و بررسی کند. مدیر مؤسسه معرفت و پژوهش که در حوزه‌های فلسفه، دین و ادبیات تخصص دارد به سوالات ما در این زمینه پاسخ داده است.

البته من در حال حاضر در ایران نیستم ولی ارتباطات متعدد و بسیاری با دوستان و عزیزانم در داخل کشور از طریق تلگرام و دیگر شبکه‌های اجتماعی دارم. از طریق کانال تلگرامی خود که بیش از پنج هزار و ۴۰۰ عضو دارد نظراتم را با مخاطبانم در میان می‌گذارم و با افراد متعددی از این طریق در تماسم. تا جایی که می‌دانم، همین اتفاق افتاد و چه کسانی که به فهرست امید رأی دادند و چه کسانی که به فهرست رقیب آن رأی دادند، همگی از تلگرام استفاده کردند. شبکه‌ای که بالغ بر ۲۰ میلیون کاربر در ایران دارد.

از این جهت به نظر من کاربرد تلگرام امر مبارکی بوده چون فیلتر نبوده و مجال برای مشارکت همه در آن به وجود آمده است. ثانیاً این موضوع به افراد یاد می‌دهد که اگر از یک ابزار و تکنولوژی به نحو مساوی برخوردار شوند، وزن گروه‌های اجتماعی هم در جامعه پدیدار می‌شود. یعنی به‌رغم تمامی رد صلاحیت‌هایی که شد به نظر من جالب بود که شبکه تلگرام اینچنین کار کردی و توانست مخاطبان خود را پیدا کند. این به سود همه گروه‌ها بود و همه به یک میزان از آن بهره بردند. تلگرام در غیاب فیس بوک و بعضی شبکه‌های فیلتر شده توانست به خوبی و در سطح کلان در انتخابات نقش آفرینی کند و فکر می‌کنم از این به بعد هم می‌شود از این شبکه و دیگر شبکه‌های اجتماعی به صورت بهینه استفاده

تلگرام و شبکه‌های اجتماعی در انتخابات اخیر، هم نقش نظارتی را ایفا کردند و هم عاملی برای تبلیغات و راه‌اندازی کمپین‌ها بودند. در این انتخابات به جای کمپین‌ها و میتینگ‌های خیابانی همه چیز مجازی و تلگرامی شده بود. چگونه این اتفاق را تحلیل می‌کنید؟

در سال‌های اخیر قوه شبکه‌های اجتماعی در سراسر جهان پر رنگ شده است. در کشور ما هم در پاره‌ای از موضوعات شبکه تلگرام پیش‌تاز است و بیشترین کاربران را در سراسر ایران دارد. به سبب انقلاب الکترونیکی و تحولاتی که در حوزه IT رخ داده مناسبات و روابط انسانی در سطح کلانی آغاز شده است. قوه در حوزه سیاست آغاز نشده است و در همین حوزه هم تمام نمی‌شود. به‌طور مثال یکی از آسیب‌شناسی‌هایی که عده‌ای از متخصصان رسانه و روان‌شناسان در این باب کرده‌اند این است که نوعی روابط انسانی تحت‌الشعاع شبکه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد. خصوصاً در بچه‌ها و افراد کم‌سن‌وسال تر که با این شبکه‌های اجتماعی و فضای تکنولوژی و رسانه بزرگ شده‌اند.

در ایام نوجوانی و جوانی ما اوضاع خیلی متفاوت بود. یعنی با در کوچکی بازی می‌کردیم (که البته یک مدت این اجازه هم به ما داده نمی‌شد) یاد حیات با دیگر همسایه‌ها یا مدرسه. به مهمانی‌ها که می‌رفتیم با بچه‌ها بازی می‌کردیم. نه اینکه این اتفاق‌ها بد باشد ولی من پسر خودم را هم می‌بینم که چقدر از این وسایل حوزه تکنولوژی و شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کند. بعضی متخصصان می‌گویند با پیشرفت علم در این حوزه رفته‌رفته ارتباط چشمی بین کسانی که تا این حد با وسایل و ابزار ادواتی مثل لپ‌تاپ و گوشی‌های هوشمند و... کار می‌کنند، کم می‌شود. من اخیراً مقاله‌ای می‌خواندم که گفته بود این ابزار باعث می‌شود کودکان برخی مهارت‌ها را در این سنین از دست بدهند. همراه این اتفاقات مسائل مختلفی هم رخ داده است. طبیعتاً هر پدیده‌ای، هم فوایدی دارد و هم مضراتی، باید بین آنها بالانس ایجاد کرد. نه می‌شود آن را کنار گذاشت و نه می‌شود بدون ملاحظه آن را به کار گرفت. این گونه می‌شود که اگر مارکس ۱۵۰ سال پیش می‌گفت که سرمایه‌داری جهان را بر صورت خویش ساخت انصافاً اکنون باید گفت که در ده بیست سال اخیر انقلاب رسانه‌ای و تحولات دیجیتال جهان را بر صورت خویش ساخته است. چند سال پیش قصه فیس بوک خیلی در میان ایرانی‌ها پررنگ شد. با فیلترینگ آن شبکه‌های اجتماعی دیگری بین مردم مورد استفاده قرار گرفت. شبکه‌های اجتماعی‌ای چون وایبر، اینستاگرام، تلگرام و...

اگر انتخابات ۹۲ در ایران نسبت وسیعی با فیس بوک داشت و به هر حال خیلی از این تبلیغات به قول شما از خیابان جمع و به فضای مجازی منتقل شد، انتخابات ۹۴ انتخاباتی بود که به فضای تلگرام منتقل شد. درست است؟

در هنگام شمارش آرا یک اتفاق تازه افتاد و آن این بود که آمار دقیق و البته غیر رسمی از طریق تلگرام از داخل وزارت کشور در دسترس عموم قرار می‌گرفت. بعضی‌ها معتقدند این اتفاق باعث یک نظارت همگانی بر انتخابات شد و احتمال تخلف را کاهش داد. نظر شما در این باره چیست؟

من به طور دقیق از چنین اتفاقی که گفتید با خبر نبودم ولی اگر بشود به این معنا نقش نظارتی هم به آن داد و نهاد‌های رسمی هم از آن استفاده کنند، خوب امر مبارک و خوبی ست. یعنی شما می‌گویید که همان آمار را بعداً وزارت کشور به صورت رسمی اعلام کرده است. پس مشخص است که آمار توسط وزارت کشور اعلام می‌شده. این نشان می‌دهد برخی نهادها هم این مدارا به رسمیت شناخته‌اند و از آن استفاده بهینه می‌کنند. می‌توانم بگویم تلگرام در ایران در پدید آمدن یک جامعه مدنی قوی نقش آفرینی کرده است و این خیلی خوب است. یعنی اگر ما به نهادینه و مستحکم‌تر شدن جامعه مدنی می‌اندیشیم، شبکه‌های اجتماعی در جامعه‌ای با مختصات و مشخصات ما می‌توانند نقش آفرینی کنند. یعنی در این فضاهای عمومی مجازی می‌توان به افراد اطلاع‌رسانی و آنها را تشویق کرد که در حوزه‌های مختلف مشارکت داشته باشند و بعد نظارتی آن را هم تقویت کنند. همه این کارها به تقویت و استحکام جامعه مدنی منجر می‌شود که رکن رکن ساز و کاری دموکراتیک است و کمک می‌کند شهروندان بتوانند خواسته‌های خود را به گوش دولت‌مردان برسانند و تأثیرگذار باشند.